



فایده مطالعه تاریخ / نظرات مختلف درباره علم تاریخ

هر چند بسیاری از قدما فایده تاریخ را محدود شمرده اند ویا غالباً آن را جزء علوم به حساب نیاورده اند، اما بسیاری دیگر نیز بر جنبه سودمند بودن تاریخ تاکید کرده اند وآن را جزء علمی که می توان جنبه عملی آن را به وضوح مشاهده کرد قرار داده اند.

هر چند بسیاری از قدما فایده تاریخ را محدود شمرده اند ویا غالباً آن را جزء علوم به حساب نیاورده اند، اما بسیاری دیگر نیز بر جنبه سودمند بودن تاریخ تاکید کرده اند وآن را جزء علمی که می توان جنبه عملی آن را به وضوح مشاهده کرد قرار داده اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، اینکه آیا مطالعه تاریخ سودمند است یا خیر؟ آیا جزء علوم به حساب می آید؟ و یا آیا آن طور که برخی پنداشته اند تاریخ مترادف علم ادیان است یا نه؟ همه و همه جزء سوالاتی است که ذهن مورخان را به کنکاش و تلاش برای یافتن پاسخ در این باب می کشاند. بی شک شناخت ادیان و عقاید در نزد قدما امری بسیار با اهمیت بوده و از مورخان دنیای اسلام کسانی چون ابوالحسن مسعودی، یعقوبی و ابوریحان بیرونی به این مساله توجه خاصی داشته اند.

ابوالحسن بیهقی در تعریف علم تاریخ متذکر می شود: "هیچ واقعه ای از خیر وشر نیست که سانج گردد و نه در عهد گذشته مثل آن یا نزدیک بدان واقعه بوده باشد، پس هم چنان که اطباء از بیماریهای گذشتگان دستور کار برای خویش می سازند اهل خبر نیز از حوادث گذشته سرمشق می گیرند و از آنچه در عهد گذشته از آن احتراز کرده باشند، احتراز می کنند". طبق این تعریف بیهقی، بسیاری تاریخ را به علم طب تشبیه می کنند و معتقدند توجه به جنبه عملی و اخلاقی تجارب تاریخ است که بسیار بیشتر اهمیت دارد.

باید گفت عبرت انگیزی تاریخ که بسیار مورد توجه قرار می گیرد مطلبی است که نزد مسلمین و کشیشان قرون وسطی نیز دارای اهمیت خاصی بوده است. در اصل مطالعه تاریخ و اطلاع یافتن از آنچه در گذشته روی داده است رسالت انسانی را واضح تر کرده و باعث آن می گردد تا انسان مسولیت خود را بهتر بشناسد. اگرچه دیگر علوم چون اقتصاد، حقوق، اخلاق و... نیز فوایدی را دارا می باشند و حائز اهمیت هستند ولی باید توجه داشت که نتیجه ای که از این علوم قابل اخذ است در حد جنبه نظری صرف باقی خواهد ماند و تنها از علم تاریخ است که می توان نمونه ای واقعی از عمل ها و عکس العمل ها را مشاهده کرد.

ولی با توجه به توضیحات فوق سوالی که کماکان به قوت خود باقی می ماند این است که آیا صرف عبرت گرفتن از گذشته و نظر به حوادث و رویدادها برای انسان عصر امروز کفایت می کند؟

گرچه تاریخ از گذشته ای دور همواره آئینه عبرت تلقی شده و به مثابه ترازوی معیار سنجی دانسته شده است اما واقعیت آن است که اشتغال صرف به تاریخ برای آموختن ویا استغراق در آن رفته رفته باعث آن می گردد تا فرد همواره به گذشته وحوادث رفته نظر کرده واز شناخت تاریخ عاجز بماند.

با این تفسیر مطالعه تاریخ تنها هنگامی مفید فایده به نظر می آید که اولاً بدون غرض ورزی، جانبدارانه و با پیش زمینه ذهنی صورت گیرد و ثانیاً با استفاده از نقاط قوت موجود در آن حادثه و رویداد و تطبیق آن شرایط با وضع کنونی راه چاره ای برای برون رفت از بسیاری مشکلات اخذ گردد.

ژان ژاک روسو و بسیاری دیگر چون او معتقدند: "تاریخ عبارت است از آن که فرد بین چندین دروغ آن را که به حقیقت نزدیکتر است بر گزیند و تاریخ چیزی جز یک رشته سفاهت و جنایت نمی تواند باشد". حتی اگر بر فرض محال این اعتقاد را درست بپنداریم و تاریخ را چیزی جز سفاهت و جنایت قلمداد نکنیم اما قطعاً با مطالعه همین جنایات و سفاهت ها چه بسا وجدان انسان توسعه یافته، بیدارتر گردد و تسامح در خور انسانیت شکل بگیرد.

به یقین ارتباط تنگاتنگ تاریخ با بستر جامعه، استمرار آن با زندگی بشر، بشری که بر پایه وحدت و رابطه با ملل و اقوام زیست می کند خود می تواند حساس ترین و در عین حال برترین وجهه تمایز تاریخ از دیگر علوم به حساب بیاید.